

## Comparison of Hhozeh and Abriz literacy and technical meanings (Technical Note)

A. Nasserri

Associate professor, East Azarbaijan Research Center for Agriculture and Natural Resources, Iran.

Email: nasserri\_ab@yahoo.com

Received: 19-11-2014

Accepted: 19-2-2015

## تطبیق معانی فنی و ادبی حوضه و آبریز (یادداشت فنی)

ابوالفضل ناصری

دانشیار مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی.

E-Mail: nasserri\_ab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۳۰

### Abstract

The most important space for hydrological studies is called Hozeh and/or Abriz in Persian, which is the same as Watershed in English. The origin of meanings for Hozeh and Abriz are not very clear for technical users yet. This study is intended to match technical and literary meanings of Hozeh and Abriz terms. For this purpose, based on technical literature and writings in Hydrology, physical and geometric characteristics of the Hozeh, Abriz and watershed terms were evaluated. In addition, Farsi and English literal dictionaries and related verses and prose were investigated. The results demonstrated that the word "Hozeh" checks against the word "Watershed" properly. For example it is better to use "Hoze e Daryacheh e Urumiyeh" or "Abrize e Daryacheh e Urumiyeh" instead of using "Hoze e Abriz e Daryacheh e Urumiyeh"

**Keywords:** technical and literary terms matching, Abriz, Hozeh, Watershed.

### چکیده

مهم‌ترین محیطی که در آن تحلیل‌های هیدرولوژی صورت می‌گیرد، در زبان فارسی به حوضه (آبریز) و در زبان انگلیسی به Watershed موسوم است. خاستگاه و معانی حوضه و آبریز برای کاربران فنی به طور کامل مشخص نیست. این مقاله کوششی برای تطبیق معانی فنی و ادبی حوضه و آبریز است. بدین منظور با استناد به متون و نوشته‌های فنی و تخصصی علوم آب، ویژگی‌های هندسی و فیزیکی حوض، حوضه، آبریز و Watershed ارزیابی گردید. همچنین واژه‌نامه‌های ادبی فارسی و انگلیسی بررسی شده و به آثار نظم و نثر ادبی نیز توجه شده است. نتیجه بررسی و ارزیابی نشان داد واژه حوضه تطبیق کامل و مناسبی با Watershed دارد. به عنوان مثال به جای ترکیب "حوضه آبریز دریاچه ارومیه" پیشنهاد می‌شود از ترکیب "حوضه دریاچه ارومیه" یا "آبریز دریاچه ارومیه" استفاده شود.

**واژه‌های کلیدی:** تطبیق معانی فنی و ادبی، آبریز، حوضه، Watershed.

معنی شده است. حوض در منتهی‌الرب و لغت‌نامه دهخدا به معنی آبدان، برکه، آبگیر و جایی که برای آب در زمین سازند دانسته شده است. در یوآقیت‌العلوم و اقرب‌الموارد، حوض به معنی آبگیر و در فرهنگ معین به معنی آبگیر و جایی که برای آب در زمین سازند دانسته شده است. کتاب التفهیم لاوائل الصناعت التنجیم، حوض را ستارگان بکردار نیم دایره، معرفی نموده است.

در فرهنگ فارسی معین، آبریز اسمی مرکب به معانی دلو، مبریز، متوضا، مبال و چاه نوشته شده است. در لغت نامه دهخدا نیز معنی دلو برای آن ضبط شده است. در تاج‌العروس و لغت نامه دهخدا، آبریز به ظرفی لوله و دسته‌دار که بدان وضو و طهارت کنند، معنی شده و معرب آن ابریق دانسته شده است. همچنین در لغت نامه دهخدا آبریز به سرازیری‌هایی که آب آن‌ها به رودی می‌رسد، معنی شده است. در فرهنگ فارسی معین آبریز به ظرفی که از آن آب ریزند، دانسته شده است.

حکیم سراج‌الدین ابوعمر عثمان بن عمر مختاری غزنوی، مسعود سعد سلمان، نظامی گنجوی، سنائی غزنوی، سوزنی، زجاجی و به احتمال زیاد سایر ادیبان ایران، در آثار منظوم و منثور خود به دفعات زیاد، واژه‌های حوض، حوضه و آبریز به کار برده‌اند. به عنوان نمونه سنائی گوید:

تا بود پر جوی و حوض و چشمه و دریا ز آب

در چمن‌ها گر نبارد ابر نیسان گو مبار

نظامی گنجوی گوید:

سوی حوض شد تشنه تشنه فراز

سر کوزه‌ی خشک بگشاد باز

چو زد کوزه بر حوضه‌ی سنگ بست

سفالین بد آن کوزه حالی شکست

و صفحه کف در هر دو فرو افتاده است، بنابراین وجه تشابه آنها از این نظر قابل توجه است. مجاری ورودی و خروجی آب در یک حوض و در یک Watershed کاملاً مشخص است و بدیهی است که حرکت آب در درون حوض یا Watershed تابع شیب کف، مشخصات ماده کف و مساحت و محیط حوضه و سایر پارامترها می‌باشد. شکل فیزیکی و هندسی یا شکلی قابل تبدیل به یکی از اشکال هندسی برای پلان Watershed از معانی حوض قابل تداعی است. در حالی که این تداعی از سایر واژه‌های مشابه امکان پذیر نیست. در نتیجه، تعیین مشخصات هندسی مانند محیط و مساحت در حوض و Watershed مفهوم ملموس تری می‌یابد. اغلب دانشمندان و ادبای سده‌های گذشته به همراه واژه آب از حوض و حوضه در موارد متعددی استفاده نموده‌اند. با توجه به دلایل گفته شده، می‌توان

### – معانی فنی حوضه و Watershed

مهم‌ترین محیطی که در آن تحلیل‌های هیدرولوژی صورت می‌گیرد در زبان فارسی به حوضه (یا آبریز) و در زبان انگلیسی به Wa- tershed موسوم است. محسنیان (۱۳۵۰)، صالحی (۱۳۵۲)، علیزاده (۱۳۶۶)، زاهدی (۱۳۷۰)، کردوانی (۱۳۷۱)، موحد دانش (۱۳۷۳)، سیمافر (۱۳۷۳) و سپاسخواه و همکاران (۱۳۷۸) آن را به شکل حوضه یا حوضه آبریز و گونیلی (۱۳۴۷)، انصاری (۱۳۵۳)، افشار (۱۳۶۴)، نجمائی (۱۳۶۹)، فرداد (۱۳۶۹)، میرباقری (۱۳۷۴)، سراج زاده (۱۳۷۲) و مهدوی (۱۳۷۷) آن را به شکل حوزه نوشته‌اند. در فرهنگ آبیاری و زهکشی در معنی فنی و تخصصی واژه Water- shed و واژه‌های مترادف آن (Catchment, Catchment ba- sin, Catchment area, River basin, Drainage basin and Drainage area) آمده است: پهنه‌ای است که تمام رواناب ناشی از بارش وارد بر آن را یک رودخانه، آبرو، دریاچه و یا یک آب انباشت دریافت می‌کند (بی‌نام، ۱۳۵۴). شکلی که از تصویر یک حوضه بر روی یک صفحه افقی حاصل می‌شود را شکل حوضه گویند (بی‌نام، ۱۳۷۵). در این مقاله با استناد به نوشته‌های تخصصی و فنی علوم آب و آثار نظم و نثر فارسی سعی شد با روش کتابخانه‌ای، معانی حوضه و آبریز بررسی شده و میزان تطبیق آنها با مفهوم فنی ارزیابی گردد.

### – معانی ادبی حوضه و آبریز

در فرهنگ‌های فارسی معانی مختلفی برای واژه حوض و مشتقات آن آمده است. در لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ آندراج و فرهنگ فارسی معین، حوض اسمی عربی و جمع آن واژه‌های حیاض و احواض ذکر شده و به عماری فیل و جز آن که به صورت حوض ساخته شود،

### تطبیق معانی ادبی و فنی حوضه و Watershed

همچنان که ذکر شد، حوضه، عماری فیل معنی شده است که به شکل حوض باشد و این شکل حوض بودن عماری است که آن را حوضه نام کرده است و چون حوض، آبدان نیز معنی شده است، پس بایستی دارای دیواره‌هایی باشد متصل به صفحه کف که هم عمل نگهداری آب را انجام دهد و هم خط فاصل بین محیط حوض با محیط خارج باشد. با توجه به این که حدود Watershed بر روی نقشه‌ای که دارای خطوط تراز است با بلندترین خط‌الراس‌هایی که Watershed را در بر می‌گیرد مشخص می‌شود و خط فرضی فاصل Watershed همان خط تقسیم آب است، همچنین با نظر به این که شیب دیواره‌ها در حوض و نیز در Watershed متوجه مرکز بوده

نتیجه گرفت که استفاده از واژه حوضه به عنوان معادل فارسی Wa- tershed مناسب می‌باشد. از سوی دیگر با دقت در معانی و کاربرد واژه‌های حوضه و آبریز مشخص می‌شود که حوضه و آبریز از نظر معنی مترادف بوده و ضرورتی برای کاربرد "حوضه آبریز" در متون

## نتیجه‌گیری

واژه حوضه تطبیق کامل و مناسبی با Watershed دارد. از سوی دیگر، با دقت در معانی و کاربرد واژه‌های حوضه و آبریز مشخص شد

## منابع

- افشار، ع. ۱۳۶۴. هیدرولوژی مهندسی. مرکز نشر دانشگاهی، ۴۴۱ ص.
- انصاری، ص. ۱۳۵۳. آبیاری عمومی: جلد اول، مدرسه عالی کشاورزی همدان.
- بیرونی، م. ۱۳۸۷. التفهیم لاولئ الصناعات التنجیم. تصحیح سید جلال همائی، ۷۵۰ ص. تهران.
- بی‌نام، ۱۳۷۵. دستورالعمل مطالعات فیزیوگرافی در حوضه‌های آبخیز. دفتر تحقیقات و معیارهای فنی. سازمان برنامه و بودجه، ۴۳ ص.
- بی‌نام، ۱۳۵۴. فرهنگ فنی آبیاری و زهکشی. نشریه شماره ۱۱. انتشارات وزارت نیرو.
- پادشاه، م. ۱۳۳۶. فرهنگ آندراج. انتشارات کتابخانه خیام.
- دهخدا، ع. ا. ۱۳۷۷. لغت‌نامه. موسسه لغت‌نامه دانشگاه تهران.
- صفی پوری شیرازی، ع. ۱۳۹۰. منتهی‌الارب فی لغه العرب. جلد اول. انتشارات دانشگاه تهران. ۹۳۶ ص.
- سعد سلمان، م. ۱۳۶۴. دیوان مسعود سعد. تصحیح مهدی نوریان. انتشارات کمال، چاپ دوم، اصفهان.
- سنایی غزنوی، ا. ۱۳۵۶. کلیات اشعار حکیم سنایی. به کوشش علی اصغر بشیر، کابل. موسسه انتشارات بیهقی.
- سوزنی سمرقندی، م. ۱۳۳۸. دیوان سوزنی سمرقندی، تصحیح و مقدمه از ناصرالدین شاه حسینی. تهران امیر کبیر. ۱۸۳ ص.
- زبیدی، س. م. ۱۹۸۲. تاج العروس. دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.
- زاهدی، م. ۱۳۷۰. هیدرولوژی آب‌های سطحی، انتشارات نیا. تبریز.
- زجاجی، ح. ۱۳۸۳. همایون‌نامه، تاریخ منظوم حکیم زجاجی، سراینده سده هفتم جلد ۱. تصحیح علی پیر نیا، فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- سیمافر، ش. ۱۳۷۳. هیدرولوژی مهندسی. دانشگاه صنعتی سهند.

تخصصی وجود نداشته و می‌توان آنها را به صوت جدا و مستقل به کاربرد. به عنوان مثال به جای ترکیب "حوضه آبریز دریاچه ارومیه" شایسته است از ترکیب "حوضه دریاچه ارومیه" یا "آبریز دریاچه ارومیه" استفاده شود.

که حوضه و آبریز از نظر معنی مترادف بوده و ضرورتی برای کاربرد "حوضه آبریز" در متون تخصصی وجود نداشته و می‌توان آنها را به صوت جدا و مستقل به کار برد.

- سپاسخواه، ع.، رحیمی ح.، موحد دانش، ع. ا.، صدقی، ح. خلیلی، ع.، علیزاده، ا.، و فرهودی، ج. ۱۳۷۸. فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی. جلد چهارم: آبیاری. دانشگاه تهران.
- سجزی، م. ۱۳۵۴. مهذب الاسماء فی مرتب الحروف و الاشیاء. تصحیح محمد حسین مصطفوی. انتشارات علمی و فرهنگی.
- سراج زاده، ح. ۱۳۷۲. فرهنگ چهار زبانه آبخیزداری (منابع طبیعی). موسسه انتشارات مدبر.
- شرطونی، س. ۱۹۹۲. اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوراء. مکتبه لبنان. چاپ دوم، بیروت.
- صالحی، ع. ۱۳۵۲. هیدروژئولوژی. انتشارات دانشگاه تبریز.
- علیزاده، ا. ۱۳۶۶. زهکشی اراضی (طرح و برنامه‌ریزی شبکه‌های زهکشی زراعی). انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرداد، ح. ۱۳۶۹. آبیاری عمومی (جلد اول). انتشارات مولف. تهران.
- کردوانی، پ. ۱۳۷۱. منابع و مسائل آب در ایران. جلد اول: آب‌های سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها. انتشارات دانشگاه تهران.
- گونیلی، ا. ۱۳۴۷. فرهنگ اصطلاحات کشاورزی، دانشگاه تهران.
- معین، م. ۱۳۷۱. فرهنگ معین. انتشارات امیرکبیر. چاپ نهم. تهران.
- موحد دانش، ع. ا. ۱۳۷۳. هیدرولوژی آب‌های سطحی ایران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران.
- محسنیان، م. ر. ۱۳۵۰. عمران اراضی: اصول محاسبات زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۶۴۰ ص.
- مهدوی، م. ۱۳۷۷. هیدرولوژی کاربردی. انتشارات دانشگاه تهران.
- میرباقری، س. ا. ۱۳۷۴. هیدرولوژی مهندسی. انتشارات دانشگاه شیراز.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. ۱۳۷۸. مخزن الاسرار. تصحیح حسن وحید دستگردی. انتشارات مهد مینا.
- نجمائی، م. ۱۳۶۹. هیدرولوژی مهندسی. انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.